

## نقش الگویی وکلای امام دوازدهم در تبیین شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه ساز

محمد مهدی صمصامی<sup>۱</sup>

سید مجتبی معنوی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش پس از ترسیم تشابه دولت زمینه‌ساز با نهاد وکالت، با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی و کاوش در منابع حدیثی و تاریخی و تحلیل گزارش‌های مرتبط با وکلای امام دوازدهم، می‌کوشد ویژگی‌های مدیریتی وکلا و ساختار اداره امور اجتماعی را بیان کند و از آن ویژگی‌ها، به مثابه الگو در روزگار کنونی برای تبیین شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه‌ساز بهره‌برد. نتایج تبیین و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌هایی همچون اهتمام به اطاعت از امام، کارآمدی، عقلانیت، رازداری، نظم و انضباط در امور و رعایت سلسه مراتب به لحاظ جایگاه وکلا و قابلیت اعتماد (وثاقت) و امانتداری، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های مدیریتی وکلای امام بوده است، که می‌توان آنان را به عنوان شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه‌ساز مطرح کرد.

**واژگان کلیدی:** مدیر تراز، دولت زمینه‌ساز، وکلای امام دوازدهم، نهاد وکالت، غیبت صغرا.

---

۱. دانش پژوه سطح ۴ مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mo.samsami1357@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی، قم، ایران.

Sm.manavi@chmail.ir

## مقدمه

فراهم آوردن مقدمات ظهور تنها وظیفه گروه یا فرد خاصی نیست، بلکه همه دولت‌ها و ملت‌هایی که خواهان برقراری حکومت صالحان در جهان هستند؛ باید در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند؛ لکن در این میان وظیفه دولت‌ها حساس‌تر و مهم‌تر است. مقصود از «دولت»، جریان سیاسی حاکم بر کشورهاست که تنظیم روابط انسانی و تعاملات اجتماعی را در سطح داخلی و بین‌المللی بر عهده دارد. اهمیت نقش دولت‌ها در زمینه‌سازی ظهور از این جنبه است که آن‌ها می‌توانند آمادگی پذیرش منجی را در جوامع ایجاد کنند. در این میان دولت‌های اسلامی و شیعی به طور خاص می‌توانند با تبلیغ عملی فرهنگ مهدویت افق آینده حکومت مهدوی را به تصویر بکشند و از این طریق جامعه را پذیرای ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام سازند. برای این منظور، دولت‌های اسلامی باید دکترین ظهور را اساس کار خود قرار دهند و به لحاظ مبانی، اهداف، سیاست‌ها، رسالت‌ها و راهبردها، با دولت کریمه مهدوی هم‌سو باشند (کریمی‌تبار، ۱۳۸۹: ص ۱۴۱). با توجه به آن که یکی از عناصر کلیدی یا مهم‌ترین عنصر دولت زمینه‌ساز؛ مدیران آن هستند، از این رو آنان باید به لحاظ ویژگی‌های مدیریتی در تراز دولت زمینه‌ساز باشند. از سوی دیگر در دوران غیبت صغرا به دلیل غیبت امام، نهادی با نام نهاد وکالت و افرادی به نام وکیل با نظارت و راهنمایی‌های امام دوازدهم، مدیریت جامعه شیعه امامی را بر عهده داشتند. با توجه به آن که آنان در یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعیان امامی، برای اجرای این وظیفه مهم از سوی امام انتخاب شدند؛ می‌توانند به عنوان الگو برای مدیران دولت زمینه‌ساز مطرح شوند. در سال‌های اخیر در مورد دولت زمینه‌ساز، مدیران زمینه‌ساز و وکلای امام دوازدهم کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است که از آنان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کتاب «دولت زمینه‌ساز ظهور و راهبردهای فرهنگی انتظار»، اثری از گروه مطالعات مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (گروه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰) و مقالاتی همچون «دولت زمینه‌ساز»، نوشته مسعود پورسیدآقایی (پورسیدآقایی، ۱۳۸۴: ص ۵-۱۸)؛ «اهداف دولت زمینه‌ساز»، نوشته مریم کریمی‌تبار (کریمی‌تبار، ۱۳۸۷: ص ۱۱۷-۱۴۲)؛ «راهبردهایی برای پرورش مدیران زمینه‌ساز»، نوشته سید احمد رشیدی فرد (رشیدی فرد، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۲۵۴-



۲۷۴)؛ «سبک زندگی مدیران زمینه‌ساز»، نوشته محمدهادی مفتاح (مفتاح، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۳۱۵ – ۳۴۲)؛ «چگونگی انتصاب وکیلان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، نوشته رویا باقری و مجید احمدی کچایی (باقری و احمدی کچایی، ۱۳۹۹: ص ۱۷۱ – ۱۸۹) و «واکوی چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغرا»، نوشته علی جهانی‌فرد، حسین جهانی‌فرد و مجید احمدی کچایی (جهانی‌فرد و احمدی کچایی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱ – ۱۴۹). اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها، این دو موضوع (مدیر تراز و وکلای امام دوازدهم) در کنار هم دیده نشده‌اند و با نگرش الگوی مدیریتی به وکلای امام دوازدهم در آن‌ها ملاحظه نمی‌شود. از این رو این، پژوهش در صدد است با واکاوی در ویژگی‌های مدیریتی وکلای امام، الگویی برای مدیران دولت زمینه‌ساز ترسیم کرده و به تبیین شاخصه‌های چنین مدیری بپردازد.

## مفهوم‌شناسی

در این نوشتار واژگان زیر با این معانی استفاده شده‌اند:

### ۱. شاخص

«شاخص» در لغت به معنای بلند و مرتفع است و به معنای آن که در جامعه ممتاز و منتخب باشد، نیز آمده است (معین، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۹۹۳). در این تحقیق، منظور از «تبیین شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه‌ساز»، تبیین ویژگی‌های ممتاز و بارزی است که مدیر لازم است، داشته باشد تا آن را بتوان در تراز دولت زمینه‌ساز دانست.

### ۲. مدیر

«مدیر» در لغت به معنای کسی است که شایستگی اداره کردن اداره، سازمان و مانند آن‌ها را دارد. یا اداره و سرپرستی بخشی از کارها و قسمت‌های آن جا بر عهده اوست (انوری، ۱۳۸۱: ج ۷، ص ۶۸۳). برای دستیابی به معنای اصطلاحی آن، به نظر می‌رسد واژه «مدیریت» را تعریف کرد؛ زیرا اگر چه صاحب‌نظران و مولفان مدیریت با هدف و سوگیری‌های مختلف، تعاریف گوناگونی از مدیریت ارائه کرده‌اند (غلامی، ۱۳۸۸: ص ۱)؛ در بسیاری از تعاریف حوزه مدیریت، به جای پرداختن به تعریف، متوجه وظایف مدیران گشته و مدیریت را برخی از



صاحب نظران این گونه تعریف کرده‌اند:

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول واقع می‌شود. برای محقق نمودن مدیریت، وظایف مدیر تحت مفاهیم هدف گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری، ارتباطات، هماهنگی و کنترل و ارزیابی نام برده می‌شود (ماهر النقش، ۱۳۹۵: ص ۵۷).

قابل ذکر است اگرچه این تعریف از مدیر، امام و رهبر جامعه را نیز شامل می‌شود؛ در این پژوهش مراد از مدیر، افرادی هستند که تحت نظارت، راهنمایی و امر امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه، به مدیریت جامعه امامیه در سطوح مختلف می‌پردازند.

### ۳. دولت

واژه «دولت» (State) از ریشه لاتینی (Stare) به معنای ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه (Status) به معنای وضع مستقر و پایرجا گرفته شده است (وینسنت، ۱۳۸۷: ص ۳۶). متفکران و پژوهشگران سیاسی در مفهوم شناسی اصطلاح دولت توافق نظر ندارند. اختلاف نظر پیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت که بر تعریف‌ها اثر می‌گذارد؛ مربوط است (عالم، ۱۳۹۲: ص ۱۳۴). دولت را در ساده‌ترین شکل می‌توان نوعی تشکل سیاسی دانست که قدرت برتر را در داخل مرزهای تعریف شده سرزمینی ایجاد و اقتدار را از طریق مجموعه‌ای از نهادهای دائمی اعمال می‌کند. در این باره می‌توان پنج ویژگی مهم را برای دولت برشمرد: اول این که دولت اعمال کننده حاکمیت است؛ بدین معنا که قدرت مطلق و نامحدودی را اعمال می‌کند؛ زیرا در صدر تمام تشکل‌ها و گروه‌های دیگر در جامعه قرار دارد؛ دوم این که نهادهای دولتی مشخصاً عمومی هستند که در مقابل آن‌ها نهادهای خصوصی جامعه مدنی قرار می‌گیرند؛ سوم این که اعمال دولت مشروعیت دارد؛ بدین معنا که تصمیم‌های آن معمولاً برای شهروندان لازم الاجرا است؛ چهارم این که قدرت برتر در تسلط دولت است؛ بدین معنا که دولت برای اطاعت قوانینش و مجازات نقض کنندگان آن دارای قدرت است؛ پنجم این که دولت تشکلی سرزمینی است؛ بدین معنا که قدرت خود را در مرزهای جغرافیایی تعیین شده اعمال



می‌کند و در سیاست بین الملل نیز (حداقل در تئوری) موجودیت مستقلى در نظر گرفته می‌شود (هیوود، ۱۳۸۷: ص ۴۹ - ۵۰).

#### ۴. زمینه‌ساز

واژه «زمینه‌سازی ظهور» و مشتقات آن، همچون دولت زمینه‌ساز، هنر زمینه‌ساز و زمینه‌سازی فرهنگی از واژه‌های نوپدیدى هستند که در سال‌های اخیر در ادبیات دینی رواج بسیاری یافته‌اند (آیتی، ۱۳۹۰: ص ۲۰). زمینه‌سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است (حسن انوری، ۱۳۸۱: ج ۵، ص ۳۸۷۷). واژه زمینه‌سازی، جایی به کار می‌رود که تحقق یک پدیده (زمینه) بر تحقق پدیده دیگر (آن‌چه برایش زمینه‌سازی می‌شود) تأثیرگذار است. بنابراین، وقتی کسی از زمینه‌سازی سخن می‌گوید، درصدد القای این معناست که زمینه‌سازی، انجام دادن رفتارها و رسیدن به ظرفیت‌هایی است که زمینه را برای ظهور مهیا می‌کند و تعجیل در ظهور را سبب می‌شود. به تعبیر دیگر، وقتی از ضرورت زمینه‌سازی سخن می‌گوید، مقصودش ضرورت تلاش در مسیری است که بر تحقق ظهور تأثیر می‌گذارد و آن را سرعت می‌دهد و اهمال در برابر آن، باعث تأخیر ظهور می‌شود (آیتی، ۱۳۹۰: ص ۲۰ - ۲۱).

#### ۵. دولت زمینه‌ساز

در تاریخ فقه شیعه، امام خمینی نخستین فقیه‌ی است که توفیق تشکیل دولت را یافت. امام خمینی ضمن طرح تشکیل حکومت اسلامی برپایه ولایت فقیه، تشکیل حکومت اسلامی را زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند (گروه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰: ص ۱۴). با تامل در سخنان امام (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۳۷۴؛ همان: ج ۱۲، ص ۴۸۲ - ۴۸۳ و همان: ج ۲۰، ص ۳۴۵)؛ می‌توان چنین استنباط کرد که دولت مورد نظر امام راحل، دولت زمینه‌ساز با محوریت ولی فقیه است و مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی در عصر انتظار، فرهنگ‌سازی در حوزه زمینه‌سازی ظهور و مهیا کردن اوضاع لازم برای بسط و گسترش اندیشه انتظار در جامعه است (گروه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰: ص ۱۳-۱۴). به باور برخی از محققان معاصر، برنامه راهبردی آماده‌سازی ظهور از مراحل مشخص کردن نظام ارزش‌های اعتقادی، معیارها و شاخص‌های آن، بررسی و تجزیه و تحلیل وضعیت



مهدویت و آماده‌سازی ظهور، در داخل و خارج کشور، تعیین اهداف، راهبردها و سیاست‌گذاری‌های مورد نیاز کشور در زمینه آماده‌سازی زمینه‌های ظهور در چارچوب ارزش‌ها و باورها، اجرای راهبردها و سیاست‌گذاری‌های تدوین شده و نظارت و کنترل بر اجرای دقیق طرح در طول فرآیند آماده‌سازی ظهور تشکیل می‌شود (ر.ک: صادق عمل نیک، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۶-۷۲).

لذا شرط حرکت منطقی در مسیر ایجاد جامعه منتظر و فراهم‌سازی زمینه ظهور، وجود دولت زمینه‌ساز است. از این رو دولت زمینه‌ساز، دولتی است به لحاظ مبانی، رسالت، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، ساختار، کارگزاران و راهکارها با دولت کریمه مهدوی هم‌افق و همسو باشد و دکترین ظهور را اساس کار خود قرار دهد. دولت زمینه‌ساز باید برای گسترش و تعمیق فرهنگ مهدوی در سطح داخلی و جهانی (کشورهای شیعی، اسلامی، غرب و خاور دور) برنامه‌ریزی کند و بداند که موفقیت هر یک در گرو دیگری است و بدون موفقیت یکی، موفقیت دیگری را نمی‌توان چشم انتظار داشت (پورسیدآقایی، ۱۳۸۴: ص ۶-۷).

## ۶. وکیل و وکالت

لغت‌شناسان معمولاً در معنای واژه «وکیل» زیاد اختلاف دیدگاه چندانی ندارند. به همین دلیل، تفاوت چشمگیری در آن دیده نمی‌شود. برای نمونه، فیومی می‌نویسد: وکیل بر وزن فعیل به معنای مفعول است؛ زیرا به معنای موکول‌الیه است (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۶۷۰). و در مفردات الفاظ قرآن به معنای در کاری به دیگری اعتماد کردن، عنوان شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۸۸۲).

واژه وکالت (به فتح و کسر واو) از ماده (و-ک-ل) مصدر فعل وَكَلَّ يَكِلُ است. در ریشه لغوی این واژه به نوعی، معنای عجز از اجرای مستقیم کار نهفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۱۳۶). این واژه در برخی منابع فقهی به «واگذاری کاری یا ارجاع سامان دهی و پیشبرد امری از امور به غیر، تا در زمان حیات موکل انجام دهد»؛ تعریف شده است (خمینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۹).

این واژه در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و دوران غیبت صغرا به برخی از یاران امام اطلاق می‌شده است که البته وظایف خاصی داشتند. این گروه از یاران امامان در قالب نهادی به نام «وکالت»

تعریف پذیر هستند. بیش‌ترین کار این نهاد در غیبت صغرا بوده است، که پنهان کاری نسبت به خود امام عَلَيْهِ السَّلَام، نام و مکان امام، جمع‌آوری و توزیع وجوہات، ایجاد خط ارتباطی امام با شیعیان - در جهت پاسخ به سوال‌های فقهی و عقیدتی شیعیان و ارسال دستورها و رهنمودهای امام عَلَيْهِ السَّلَام - و برخورد با جریان‌های انحرافی (همچون مدعیان دروغین وکالت و وکلای منحرف) از جمله کارکردهای آن بوده است.

وکیلان دوره غیبت صغرا به دو دسته «وکیلان اصلی» و «وکیلان غیراصلی» تقسیم می‌شوند. منابع، چهار نفر را به عنوان وکیلان اصلی معرفی کرده که سایر وکلا به عنوان دستیاران این وکلا، فعالیت‌های خود را تحت نظر آنان انجام می‌داند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹).

بهترین و جامع‌ترین نص در مورد تعداد و نام وکیلان امام دوازدهم، گزارش شیخ صدوق است. در این گزارش دوازده نفر به عنوان وکیلان امام عَلَيْهِ السَّلَام نام برده شده است. محور این انتخاب با توجه به متن همین خبر، ارتباط و ملاقات فرد مورد نظر با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و آگاهی داشتن از معجزات ایشان است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۴۲). شهید سید محمد صدر به لیست افرادی که در گزارش شیخ صدوق آمده است، هفت نام دیگر اضافه می‌کند (صدر، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۶۲۳ - ۶۲۸). به نظر می‌رسد شهید صدر نیز در صدد بیان نام تمام وکلای امام عَلَيْهِ السَّلَام نبوده و به برخی از آنان اشاره کرده است. در برخی از پژوهش‌ها فهرست ارائه شده از وکیلان امام عَلَيْهِ السَّلَام از این تعداد بسیار بیش‌تر است؛ و از ۴۵ نفر نام برده شده است (جباری، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۴۳۰ - ۴۳۱).

گفتنی است که انتخاب و تعیین وکلا به دستور امام صورت می‌پذیرفته و این امر به وکلای چهارگانه اختصاص نداشته، بلکه گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که وکلای غیر اصلی نیز به دستور امام انتخاب می‌شدند که از آن نمونه می‌توان از حسن بن قاسم بن علاء آذربایجانی (وکیل آذربایجان) (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۱۴) و محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی (وکیل اهواز) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۱۸) نام برد.

### ویژگی‌های مدیریتی وکلای امام دوازدهم

وکلای امام دوازدهم به عنوان مدیران جامعه امامی در دوران غیبت صغرا دارای ویژگی‌های



مدیریتی بوده که آن ویژگی‌ها برای وکلا و کارگزاران سازمان وکالت لازم بوده و بدون وجود آن ویژگی‌ها، مقام وکالت و نمایندگی امام معصوم علیه السلام در امور شرعی و مالی قابل حصول نبود. به نظر می‌رسد آن ویژگی‌ها که به آنان اشاره خواهد شد، برای مدیر تراز دولت زمینه‌ساز نیز لازم و ضروری است. آن ویژگی‌ها عبارتند از:

### ۱. اهتمام به اطاعت از امام و رهبر جامعه

همان‌طور که به آن اشاره شد، دولت زمینه‌ساز با محوریت ولی فقیه و نهاد وکالت با محوریت امام معصوم علیه السلام شکل گرفت، و وکلای امام دوازدهم به عنوان مدیران نهاد وکالت با مدیران دولت زمینه‌ساز در این زمینه که هر دو تحت نظارت، راهنمایی‌ها و اوامر رهبر الهی فعالیت می‌کنند، با هم اشتراک دارند. از این رو، شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی لازم مدیران در هر دو بازه زمانی، «ولایت‌پذیری و اطاعت از امام و رهبر جامعه» است.

از بررسی روایات چنین برمی‌آید که وکلا، مطیع امام معصوم علیه السلام بودند و اطاعت وکلا از ائمه علیهم السلام امری کاملاً لازم و ضروری بود و اصولاً بدون آن، امور تشکیلات وکالت پیش نمی‌رفت. از این رو، اگر برخی از وکلا بنای تمرد از اوامر امام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نهاده و سر به وادی انحراف و گمراهی می‌سپردند، بلافاصله مورد مؤاخذه واقع می‌شدند، و در صورت اصرار بر ادامه مسیر انحرافی خویش، می‌شدند و حکم عزل و طردشان توسط ائمه علیهم السلام امضا می‌شد (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱).

بنابر گزارش کلینی و شیخ طوسی، عثمان بن سعید پس از پاسخ مثبت به سوال عبدالله بن جعفر حمیری در خصوص این‌که آیا او (عثمان بن سعید)، جانشین امام حسن عسکری علیه السلام را دیده است؛ در پاسخ سوال دیگر حمیری که از نام آن امام، می‌پرسد، از پاسخ به آن خوداری می‌کند و سوال در این خصوص را حرام می‌داند. او در ادامه تصریح می‌کند که در زمینه اطاعت از فرمان امام، این سخن (قول به حرمت) را بیان داشته است؛ زیرا بر او جایز نیست چیزی را حلال یا حرام کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۹-۳۶۱).

به گزارش شیخ صدوق و شیخ طوسی، حسین بن روح نوبختی در حضور جمعی از شیعیان به سوالات اعتقادی شخصی پاسخ می‌دهد و فردای آن روز در مواجهه با یکی از حاضران در جلسه

که گمان می‌کرده است ابن‌روح این پاسخ‌ها را از جانب خود داده است، قبل از آن که فرد سخنی به زبان بیاورد؛ بیان می‌کند:

اگر من از آسمان بیفتم و طعمه پرنندگان بشوم و یا این که باد سختی مرا از مکان بلندی بیندازد، بیش‌تر دوست دارم تا این که در دین خداوند عزّ و جلّ از خودم حرفی بزنم و رای بدهم، بلکه آنچه را گفتم از اصل و اساس دین بوده و از حضرت حجّت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى شنیده شده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۷-۵۰۹؛ همان، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۲۱-۳۲۲ و همان، ص ۳۲۴-۳۲۶).

از دیگر نمونه‌های اطاعت‌پذیری وکلای دوران غیبت صغرا، می‌توان به رفتار جعفر بن احمد بن متیل - از دستیاران وکیل دوم و سوم - اشاره کرد. وی به دلیل نزدیک بودن به وکیل دوم و جایگاه بالایی که در نزد وکیل دوم داشت، انتظار می‌رفت که جانشین محمد بن عثمان شود. به گزارش شیخ صدوق و شیخ طوسی، جعفر بن احمد بن متیل که در لحظات آخر عمر محمد بن عثمان، بر بالای سر وی نشسته بود، به محض شنیدن دستور امام، مبنی بر جانشینی حسین بن روح، از جای خود برخاسته، دست حسین بن روح را که در پایین پای محمد بن عثمان نشسته بود می‌گیرد و بر جای خود می‌نشانند و خود در جای حسین بن روح می‌نشینند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۳ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۷۰). وی مانند دیگر دستیاران محمد بن عثمان، همان‌گونه که در خدمت محمد بن عثمان بود، تا آخر عمر در کنار حسین بن روح و تحت نظارت ابن‌روح به فعالیت پرداخت (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۸-۳۷۰).

## ۲. کارآمدی

مقام معظم رهبری، «کارآمدی» را یکی از ویژگی‌های لازم برای مدیران (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۲: ص ۶۷ و ۸۶) و شرط پیشرفت جامعه و راه‌کار حل مشکلات مادی و معنوی دانسته (همان، ص ۶۸) و در سخنرانی‌های بسیاری بر کارآمدی تأکید کرده، به گونه‌ای که می‌توان گفت واژه مذکور پرتکرارترین واژه‌ای است که ایشان برای مدیران به کار برده‌اند (ر.ک: همان، ص ۳۵، ۳۹-۴۰، ۶۳-۶۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹). ایشان کارآمدی را به عنوان یکی از معیارهای انتخاب مدیران دانسته (همان، ص ۳۹، ۶۷، ۶۸، ۸۱، ۸۹) و آن را در معنای عمل به وظایف تعریف کرده است و مدیر کارآمد را مدیری می‌داند که بتواند وظایفی را که برعهده‌ش قرار دارد، انجام دهد (ر.ک:



همان، ص ۶۶-۶۷).

نتایج بررسی عملکرد وکلای امام دوازدهم نشان می‌دهد که آنان در سطح بالایی از کارآمدی بوده و وظایف خود را با وجود دشواری زمانه به خوبی انجام داده‌اند. در عصر غیبت صغرا، به سبب شرایط سخت تحمیل شده از جانب حکومت عباسی بر جامعه شیعه، که با هدف دستیابی به امام دوازدهم صورت می‌گرفت، موقعیت سیاسی شیعیان دشوارتر گردید. مهم‌ترین وظیفه وکلای امام دوازدهم آن بود که با وجود آن‌که وظیفه داشتند وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر هواداران مورد اعتماد ثابت کنند، به هر طریقی می‌بایست خبر وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام را از عباسیان پنهان کنند. آنان همچنین می‌بایست وجود نظام نیابت و وکالت را، که هدف آن هدایت و رهبری جامعه شیعه از طریق برقراری ارتباط میان آن و امام غایب بود، مخفی نگاه دارند؛ تا از هر گونه سوء ظن حکومت نسبت به شیعیان جلوگیری به عمل آورند (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۲-۱۰۳).

وکلای امام با هدایت و راهنمایی‌های امام، به گونه‌ای عمل کردند، که هیچ اثری از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست دشمنان ایشان قرار نگیرد و به گفته وکیل اول در دوران وی، عباسیان به این باور رسیده بودند؛ که امام یازدهم علیه السلام بدون فرزند از دنیا رفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۳-۲۴۴ و همان، ص ۳۵۹-۳۶۱).

آنان برای نیل به این هدف و اجرای وظیفه مذکور، اقداماتی را انجام دادند:

۱. نقل مکان از سامرا به بغداد؛ با آغاز غیبت صغرا، عثمان بن سعید نخستین وکیل، دیگر دلیلی برای اقامت در سامرا نداشت. در آن زمان سامرا پایتخت و مقر لشکریان سلسله عباسی بود که از آغاز با ائمه علیهم السلام مخالفت می‌کردند. شاید به همین دلیل باشد که عثمان بن سعید می‌خواست فعالیت‌های سازمان را دور از چشم مقامات دولتی در پایتخت رهبری کند (حسین، ۱۳۸۵: ص ۱۴۹). بنابراین، وی به بغداد مهاجرت کرد و این امر از سوی وکلای چهارگانه دیگر نیز صورت گرفت (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۴۲؛ همان، ص ۴۷۶-۴۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹ و همان، ص ۳۹۴).

۲. پنهان نگاه داشتن نام و مکان امام دوازدهم حتی از شیعیان: وکلای امام دوازدهم، نام و محل زندگی امام را نه تنها از دشمنان، بلکه از شیعیان نیز مخفی نگه داشتند و سوال کردن از

نام امام را بر آنان حرام دانسته و افشای نام را سبب کنجکاوای عباسیان و سرانجام پی بردن آنان به مکان حضرت می دانستند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۳۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۳ - ۲۴۴؛ همان، ص ۳۵۹ - ۳۶۱ و همان، ص ۳۶۴). مخفی کاری در مورد نام و مکان امام حتی در منابع مکتوب امامی نگاشته در آن دوره نیز متأثر بودند و کلینی با آن که به جریان غیبت اشاره دارد، هیچ گاه به نام امام اشاره ای ندارد (ر.ک: صفری فروشانی و احمدی کچایی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸).

۳. عدم شرکت در بحث های مذهبی و سیاسی: وکلا به عنوان تقیه می کوشیدند خود را از بازرسی های رژیم عباسی دور نگه دارند، بدین ترتیب که در هیچ مجادله و بحث آشکار مذهبی یا سیاسی درگیر نمی شدند (حسین، ۱۳۸۵: ص ۱۴۹). به عنوان نمونه، عثمان بن سعید با جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام که بعد از وفات برادر ادعاهایی را مطرح کرد (ر.ک رضانزاد، رحیمی جعفری و رضانزاد کلائی، ۱۴۰۰، ص ۹۳ - ۱۱۸)؛ نیز به چانه زنی نپرداخته و حتی زمانی که جعفر به دست اندازی به میراث برادرش پرداخت، با آن که عثمان بن سعید سروکیل امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بوده با وی به مجادله نپرداخته یا دست کم تاریخ از چنین مجادله ای بحثی به میان نیاورده است (ر.ک: احمدی کچایی و میرزایی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۸ و ۱۴۱).

گفتنی است در برخی از کتاب های مدیریت، مدیرکارآمد به گونه ای دیگر تعریف و مدیری دانسته شده است، که توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارد و به عبارت دیگر، مدیر کارا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره را به سازمان برساند (توکلی، ۱۳۸۵: ص ۲۳).

براساس این تعریف نیز وکلا کارآمدی خود را به اثبات رسانده و از منابع و ظرفیت های موجود بهترین استفاده را برده اند. به عنوان نمونه، در دوران ابن روح، حجم کارگزاران دولتی با گرایش های شیعی بیش از دو وکیل قبلی بوده است؛ و این امر سبب شد وی با استفاده از چنین ظرفیت ها به اصلاح امور شیعیان امامی بپردازد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۵ - ۵۰۶ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۱۷ - ۳۱۹) و گویا راهبرد حسین بن روح در دوره وکالتش بر این اساس شکل یافته بود (احمدی کچایی، ۱۳۹۷: ص ۷۳).

همچنین می توان احتمال داد، وکلای امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى با استفاده از راهبرد نفوذ در دستگاه



خلافت و ارتباط با برخی از کارگزاران حکومتی، در راستای مقابله با مدعیان دورغین وکالت بهره برده باشند.

شیخ طوسی در خصوص علت دستگیری و اعدام شلمغانی (م ۳۲۳ ق) - از مدعیان وکالت و باییت - چنین آورده است: بعد از لعن ابن روح و آشکار شدن انحراف شلمغانی و بیزاری شیعیان از وی، شلمغانی در خانه ابن مقله وزیر (۳۲۲ - ۳۲۴ ق) و در حضور بزرگان شیعه، مباحله با حسین بن روح را درخواست کرد. سخنان وی در این خصوص به دلیل آن که در خانه ابن مقله وزیر بیان شده بود، به راضی خلیفه عباسی (۳۲۲ - ۳۲۹ ق) رسید و او دستگیری و قتل شلمغانی را دستور داد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۰۶). برخی از محققان معاصر براساس گزارش مذکور، نقش ابن مقله را در دستگیری و اعدام موثر دانسته و آن را در جهت ارتباط با حسین بن روح و کمک به او می‌دانند (احمدی کچایی، ۱۳۹۷: ص ۷۴). گفتنی است پس از عزل ابن مقله از وزارت، او برای حل مشکلش در دربار به ابن روح پناه برد و ابن روح با سفارش به برخی از کارگزاران شیعی، مشکل او را حل کرد (صولی، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۸۷).

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (م ۳۱۱ ق) از بزرگان امامیه (ابن ندیم، بی تا: ص ۲۵۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۱ و طوسی، ۱۴۲۰: ص ۳۱) و از کارگزاران نهاد وکالت و دستیاران محمد بن عثمان و حسین بن روح نوبختی - وکیل دوم و وکیل سوم - بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹ - ۳۷۲). وی در دربار عباسی، مانند پیشینیان خود حضوری مؤثر داشته تا آن جا که به گفته نجاشی، هم پایه وزرا بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۱). از برجسته ترین مؤلفه های زندگی ابوسهل، مبارزه وی با حسین بن منصور حلاج از مدعیان نیابت و باییت امام دوازدهم بود (ر.ک: حسینی زاده خضرآباد، ۱۳۹۳: ص ۵۷ - ۶۲). برخی از محققان معاصر اقدام عملی ابوسهل و نقش او را در ماجرای محکومیت و اعدام حلاج نپذیرفته و تنها اقدامات وی را در برابر حلاج، علمی و فرهنگی دانسته اند (ر.ک: همان، ص ۶۱)، اما برخی از محققان معاصر بر این باورند که ابوسهل با بهره گیری از نفوذ خود در دربار عباسی در دستگیری و اعدام حلاج نقش داشته است. لویی ماسینیون مدعی است که ابوسهل از حلاج نزد خلیفه عباسی شکایت کرده است (ر.ک: ماسینیون، ۱۳۸۲: ص ۱۶۲ - ۱۶۳). اقبال نیز احتمال داده که ابوسهل در قضیه قتل حلاج از محرکان حامد بن عباس وزیر دربار عباسی (۳۰۶ - ۳۱۱ ق)، بوده است (اقبال آشتیانی،

### ۳. عقلانیت

مقام معظم رهبری، «عقل» را معیار ملاک حرکت جامعه اسلامی دانسته و بیان کردند که عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد و از مسئولان در همه رده‌ها انتظار دارند که با احساس مسئولیت و با عقل و تدبیر کار کنند. ایشان در تعریف عقلانیت می‌گویند:

عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هرچه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست (ر.ک: بانکی پور فرد، ۱۳۹۲: ص ۱۰-۱۳).

بررسی عملکرد وکلای امام دوازدهم از خردورزی و حرکت عاقلانه آنان حکایت دارد. شیخ طوسی نیز در بیان برخی از ویژگی‌های وکلای چهارگانه امام دوازدهم به عقلانیت آنان اشاره کرده و آنان را به «اهل العقل» تعبیر می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۰۹). با توجه به موقعیت سیاسی دشوار شیعیان امامی که به آن اشاره شد؛ وکلای چهارگانه و دیگر وکیلان کوشیدند با مدیریت درست و هوشمندانه، از حساسیت دستگاه حاکم در فعالیت‌ها و ارتباطات نهاد وکالت جلوگیری کنند. آنان با هدایت‌ها و راهنمایی‌های امام در جهت مدیریت تنش در نهاد وکالت و مواجهه نشدن با تنش‌آفرینی دستگاه حاکمه، بهترین راه را بهانه ندادن به او دیدند. از این رو، از پوشش تقیه استفاده کردند (ر.ک: صفری فروشانی و قاضی خانی، ۱۳۹۴: ص ۳۸).

به عنوان نمونه، شیخ طوسی پس از آن که با عبارت «اعقل الناس عند المخالف و الموافق»، حسین بن روح را ستوده است؛ با اشاره به این نکته که ابن روح به تقیه عمل می‌کرده، با بیان سه گزارش، شدت عمل وی به تقیه در خصوص کتمان اعتقادات تشیع را تبیین کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۴-۳۸۶). در ابتدای یکی از آنان، راوی گزارش که از معاصران حسین بن روح بوده است؛ اذعان می‌کند که عاقل‌تر از ابن روح ندیده است. در گزارش مذکور، در مناظره میان دو نفر در سخن از افضل بعد از پیامبر ﷺ که به نظر می‌رسد در خانه ابن یسار و در مجلس عمومی که هم از اهل سنت و هم از شیعیان حاضران آن بودند؛ حسین بن روح برخلاف



آن چه شیعه اعتقاد دارد، از نظر اهل سنت در این خصوص سخن راند. یکی از شیعیان که در مجلس حاضر بود، با تبسم خود نزدیک بود، تقیۀ ابن روح را برملا سازد. پس از اتمام مجلس، حسین بن روح به منزل آن شیعه رفت و وی را برای تبسمش توبیخ کرد. حسین بن روح به دلیل اخذ این گونه سیاست، در میان اهل سنت، مورد احترام بود، آنان او را از خود پنداشته و کسانی که ابن روح را شیعه می دانستند، سرزنش می کردند (همان، ص ۳۸۴ - ۳۸۵).

#### ۴. رازداری (صیانت از امور سازمانی)

«رازداری یا کتمانِ بَر» به معنای مخفی کردن اطلاعات آمده و دارای سه ویژگی است: اجتماعی بودن، آگاهانه بودن و فعالانه بودن. از این رو، رازداری، موضوعی اجتماعی است که به وسیله آن، اطلاعات خاصی از عده‌ای از افراد پنهان می‌شود و تنها گروه خاصی از افراد می‌توانند از آن آگاه شوند (قانونی و صفری، ۱۴۰۲: ص ۱۰۹). رازداری و حفظ اسرار سازمانی، یکی از اصول کار سازمانی است و رعایت نکردن آن به عنوان اصل سازمانی می‌تواند آثار و آسیب‌های ناگواری داشته باشد؛ به گونه‌ای که گاهی سازمان را از رسیدن به هدفش بازدارد (اخوی، ۱۳۹۴).

سری بودن، شاخصه مهم نهاد وکالت است که می‌تواند فعالیت‌های آن در استتار و دور از چشم حکومتیان انجام گیرد. این مسئله به قدری دارای اهمیت بود که تمامی فعالیت‌های این نهاد متأثر از آن بود (صفری فروشانی و قاضی‌خانی، ۱۳۹۴: ص ۲۸ - ۲۹) از این رو، در انتصاب وکیلان، پنهان‌کاری و حفظ اسرار اهمیت بسیار داشته است؛ و این ملاک در دوره خاصی همچون غیبت صغرا برجسته‌تر بوده است و توجه به آن در انتصاب‌ها اهمیت بیش‌تری می‌یابد. در آن دوره که همه به دنبال شناسایی آخرین امامند و هرکس به دنبال آن است، به میل خود از این ارتباط و شناخت بهره‌بردار، مکتوم نگه داشتن این سر از مهم‌ترین ملاک‌هاست (باقری و احمدی کچایی، ۱۳۹۹: ص ۱۸۳).

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی - از متکلمان بزرگ شیعه در عصر غیبت صغرا- دلیل شایستگی حسین بن روح را در انتصاب به مقام وکیل سوم امام دوازدهم، «حفظ اسرار» دانسته است؛ چون از او سؤال می‌شود که چگونه است با جایگاهی که تو داشتی ابن روح به عنوان وکیل



سوم امام دوازدهم برگزیده شد؛ وی در پاسخ از رازداری و لزوم حفظ اسرار و ممتاز بودن حسین بن روح در این امر سخن به میان می‌آورد و بیان می‌کند که حسین بن روح اگر امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد و او را با قیچی ریزریز کنند، عبای خود را کنار نمی‌زند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۱).

عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان - وکیل اول و دوم - در این زمینه، در لباس روغن فروشی وظایف وکالت را به انجام می‌رسانیدند و بسیاری از نامه‌ها و وجوهات را در ظروف روغن به امام می‌رساندند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۷؛ همان: ص ۳۵۴ و همان، ۱۳۷۳: ص ۳۸۹).

محمد بن عثمان نیز برای عدم انتشار اخبار سازمانی به بیرون (بنابرگزارش شیخ صدوق در موردی) محل دیدار خود را با یکی از شیعیان به نام ابوعلی متیلی؛ در یکی از خرابه‌های عباسیه در بغداد تعیین کرد، تا توقیع را برایش بخواند و در آن جا پس از قرائت توقیع، آن را از بین برد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۸).

##### ۵. نظم و انضباط در امور و رعایت سلسله مراتب (رعایت ساختار امور اجتماعی شیعه)

رعایت نظم و انضباط در کارها از مهم‌ترین عوامل برای رسیدن به هدف است. در جامعه مطلوب مؤمنان، با این‌که اصل تعاون و همدلی بین کارگزاران حاکم است، کارها را براساس اصل روشن و تشکیلاتی مشخص پیش می‌برند. به عبارت دیگر، سازمان‌دهی مشخصی دارند و با هماهنگی و نظم عمل می‌کنند. در سایه نظم، امکان وفای به تعهدات امکان‌پذیر می‌شود. با رعایت نظم، فرصت کافی برای انجام دادن هر کاری وجود دارد و فرد، با دقت و حوصله وظیفه خود را به بهترین صورت انجام می‌دهد (اخلاقی، ۱۳۹۶: ص ۲۳۵-۲۳۶). یکی از ابعاد رعایت نظم در هر سازمان، که رعایت آن در هر سازمان امری متوقع است؛ وجود سلسله مراتب مقامی است، که رعایت آن می‌تواند در پدید آمدن تعارض، مانعی مؤثر باشد (صفری فروشانی و قاضی خانی، ۱۳۹۴: ص ۳۸).

سازمان وکالت همچون مجموعه‌هایی که به‌طور سازمان یافته و نظام‌مند در پی انجام هدفی مشترک هستند؛ دارای شالوده‌ای منظم و منسجم بود. این ساختار و شالوده را می‌توان



به مثابه هرمی تصور کرد که بالاترین بخش آن را رهبری سازمان، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام تشکیل می‌داد (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۱۷۵). پس از امام، وکلای ارشد قرار داشتند که نقش ناظر بر عملکرد وکلای نواحی مختلف را ایفا می‌کردند. در دوره غیبت صغرا، نواب اربعه وکلای ارشد محسوب می‌شدند (شریفی و چلونگر، ۱۳۹۶: ص ۳۹). به نظر می‌رسد، وکلای ارشد در این دوران برای سامان دادن به امور نهاد وکالت، در شهر بغداد دستیارانی داشته (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۴۲)؛ که از طریق آنان فعالیت‌های وکلا را در دیگر استان‌ها هدایت می‌کردند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۸۸ و ص ۴۹۳-۴۹۴). پس از وکلای ارشد، وکلای نواحی بودند که در مناطق مهم مستقر می‌شدند و ناحیه خاصی را سرپرستی می‌کردند. با توجه به این‌که از عهد امام نهم علیه السلام به بعد ائمه علیهم السلام بیش‌تر تحت نظارت خلفای عباسی قرار گرفتند، باعث شد که تماس مستقیم میان امام و پیروان بسیار سخت شود. بر این اساس، نقش مذهبی و سیاسی وکالت افزایش یافت. بنابراین، برای سازماندهی و نظم سلسله مراتبی و ارتباط و همبستگی بهتر امور، شیعیان بر مبنای نواحی گوناگون به چهار ناحیه تقسیم شدند (شریفی و چلونگر، ۱۳۹۶: ص ۴۰). این نواحی چهارگانه جزیره العرب، عراق، شمال آفریقا و ایران را شامل می‌شد (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۷۱-۱۴۸). در نهایت وکلای محلی زیر نظر وکلای نواحی در شهرها و نواحی شیعه نشین مستقر بودند که با عموم افراد ارتباط داشتند. همین نظام سلسله مراتبی منظم در عصر ائمه علیهم السلام سازمان وکالت را از انحرافات احتمالی و آسیب‌های دولت عباسی حفظ می‌کرد (شریفی و چلونگر، ۱۳۹۶: ص ۴۰).

از این رو، مهم‌ترین ویژگی‌ها که وجودش در وکلا از سوی ائمه علیهم السلام مورد توقع بود، عبارت از نظم و انضباط در امور و رعایت این سلسله مراتب مقامی بود. گردش امور در تشکیلات وسیعی همچون سازمان وکالت، در اوضاع و احوال سخت تقیه و نهان‌کاری، مستلزم رعایت اصولی بود که ادامه روند فعالیت‌ها را تضمین کند. هر وکیل مکلف بود تنها به امور محدودی مورد مأموریت خود بپردازد و از دخالت در امور قلمرو فعالیت وکلای دیگر بپرهیزد (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۹۳-۳۹۴). به عنوان نمونه، احمد بن ابی روح دینوری از سوی ابوالحسن خضر بن محمد مأمور می‌شود تا اموالی را به وکیل دوم (محمد بن عثمان) تحویل دهد؛ ولی هنگامی‌که با محمد بن عثمان دیدار می‌کند، وکیل دوم از تحویل گرفتن اموال خوداری می‌کند و احمد را به

نزد ابو جعفر محمد بن احمد بن جعفر قمی - از دستیاران وکیل اول و دوم - هدایت می‌کند و می‌گوید اموال را به او تحویل دهد؛ زیرا وی مأمور تحویل اموال است (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۷۰۲) و بنا بر گزارش نجاشی در عصر غیبت صغرا، سه تن از وکلای هم‌دوره در همدان تحت نظارت حسن بن هارون بن عمران همدانی و پدر وی به فعالیت می‌پرداختند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۴۴)؛ گزارش‌های تاریخی همچنین گواه آن است، که در عصر وکیل دوم - محمد بن عثمان - محمد بن جعفر اسدی وکیل ری، بر عمکرد وکلای دیگر استان‌های ایران ناظر بود و این نظارت تا زمان وفات وی (۳۱۲ق) در عصر وکیل سوم - حسین بن روح نوبختی - نیز ادامه داشت (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۴، ح ۲۳؛ همان، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ همان، ج ۲، ص ۴۸۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۶۶-۳۶۷ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۱۵).

#### ۶. قابلیت اعتماد (وثاقت) و امانت‌دار بودن

از عناصر کلیدی ارتباطات انسان، عنصر «اعتماد» است که پیوند دهنده، قوام بخشنده و تضمین‌کننده مجموعه روابط گوناگون انسان در تمام سطوح است. اعتماد مانند سیمانی است که تمام روابط را به یکدیگر پیوند می‌دهد و اساسی را ایجاد می‌کند که جامعه بر مبنای آن عمل کرده، رهبری تحقق می‌یابد و تغییرات واقع می‌شود (ر.ک: اسکندری و موسوی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۲-۱۳۳).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد سازمانی، اعتماد کارکنان به مدیران است. اعتماد بالا به رهبران و مدیران سازمان این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا تصمیماتشان با حمایت بیش‌تری از جانب زیردستان پذیرفته و اجرا شود (ر.ک: منتظری، فتحی زاده و صادقی، ۱۳۹۶: ص ۸۲-۸۳).

یکی از عوامل مرتبط با اعتماد و از عواملی که می‌تواند اعتماد دیگران را جلب کند، «امانت‌داری» است (ر.ک: اسکندری و موسوی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۴). مقام معظم رهبری، اساس همه مسئولیت‌ها را در کنار تدبیر و صداقت، امانت دانسته و صداقت و امانت را شرط تأثیرگذاری کارآمدی به نفع مردم بیان کرده و همچنین امانت‌داری را یکی از ملاک‌ها و معیارهای انتخاب



مسئولان معرفی کرده است (بانکی پورفرد، ۱۳۹۲: ص ۳۴۳).

یکی از ویژگی‌های وکیلان که از سوی ائمه علیهم‌السلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته و می‌توان گفت مهم‌ترین معیار برای انتخاب وکیلان بوده، وثاقت و امانتداری آنان است؛ زیرا وکلای ائمه علیهم‌السلام، نمایندگان آنان در امور دینی و شرعی همچون جمع وجوه شرعی، اخذ نامه‌های حاوی سؤالات، تحویل آن‌ها به امام و ردّ پاسخ آن‌ها بودند (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۷۵). و لازم بود شیعیان با اطمینان به وکلا رجوع کنند و در مواقعی تردید در این امور باعث می‌شد که شیعیان از درستی پاسخ‌هایی که به نام آنان داده شده بود، دچار شک شوند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۷۳-۳۷۴) و همچنین از تحویل اموال به وکیل امام خوداری کنند (ر.ک: همان، ص ۳۱۶).

از این رو، در گزارش‌های پرشماری از سوی ائمه علیهم‌السلام تاییدیه وکلا به وثاقت و امانتداری انعکاس داده شده و به شیعیان اطلاع رسانی شده است. ائمه علیهم‌السلام در موارد متعددی نزد بزرگان و خواص شیعیان که مورد اعتماد آنان بودند، به صورت حضوری و یا در قالب توقیعات به توثیق وکلای چهارگانه پرداختند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۳-۲۴۴؛ همان، ص ۳۵۴-۳۵۵؛ همان، ص ۳۵۹-۳۶۱؛ همان، ص ۳۶۲؛ همان، ص ۳۷۱-۳۷۳ و کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۴۸). و گاهی اوقات، افزون بر سرآمدان و خواص جامعه که نقش مهمی در جهت دهی افکار و اعتقادات مردم دارند؛ این اعتماد سازی و باورداشت را باید به سطح عمومی شیعیان نیز کشاند (جهانی فرد و احمدی کچایی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۳). در روایتی از محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله، اقدام امام حسن عسکری علیه‌السلام مبنی بر آگاهی بخشی به جمعی از شیعیان یمن نسبت به وثاقت و امین بودن عثمان بن سعید و پسرش، گزارش شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۵-۳۵۶).

شیخ طوسی نیز در بیان ویژگی‌های وکلای چهارگانه امام، به امانتداری و مورد اعتماد بودن آنان اشاره کرده است و بیان می‌کند، آنان حتی نزد حاکمان عباسی - به خاطر جلالت قدرشان و معروفیت در امانت‌داری و اشتهار در عدالت - مورد احترام و تکریم بودند، و تا آن‌جا مورد احترام خلیفه عباسی بودند که اگر دشمنان، آن‌ها را در مضیقه قرار می‌دادند، خطر را از ایشان دفع می‌کردند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۰۹).

افزون بر وکلای چهارگانه، برخی وکلای دیگر نیز از سوی ائمه علیهم‌السلام به وثاقت و امانت‌داری

ستوده شدند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۱۵؛ کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۱۶ و همان، ج ۲، ص ۸۴۸). گزارش‌ها نیز از امانتداری آنان در انتقال وجوهات بیان شده است. در این سنخ گزارش‌ها، وکیل بدون آن‌که در نگه‌داری اموال کوتاهی کرده باشد، هنگامی‌که متوجه مفقود شدن بخشی از اموال می‌شد، از مال شخصی خود کسری را جبران می‌کرد و اموال را تحویل می‌داد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۱۶ - ۵۱۷ و همان، ج ۲، ص ۵۱۸ - ۵۱۹).

این وثاقت و امانتداری وکلا سبب می‌شد که ائمه علیهم‌السلام به شیعیان دستور دهند که وجوهات خود را به آنان داده و از آنان اطاعت کنند و گفتار و نوشته آنان را گفتار و نوشته خود ائمه علیهم‌السلام بدانند (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۱؛ همان، ص ۳۶۲؛ همان، ص ۳۷۱ - ۳۷۲ و همان، ص ۴۱۵ - ۴۱۶).

گفتنی است وکیل بودن راوی از سوی معصوم علیه‌السلام یکی از اوصافی است که در علم رجال در ترجمه برخی از روایات به کار رفته است. در مباحث رجالی برخی از محققان، دلالت چنین وکالتی، بر وثاقت راوی ارزیابی شده است. استدلال آنان این است که با توجه به اطلاعاتی که در خصوص بحث وکالت از منابع معتبر به دست آمده است، به نظر می‌رسد که وکالت در زمان ائمه متاخر از معنای لغوی خارج و به یک اصطلاح تشکیلاتی تبدیل شده است؛ این جایگاه دارایی شئون مهمی، از جمله وساطت بین امام و مردم بوده است و در واقع جایگاه جانشینی ائمه علیهم‌السلام را داشته و تمامی امور ایشان به آن‌ها واگذار می‌شده است، که امور مالی تنها یکی از وظایف ظاهری آن‌ها بوده است. افزون بر آن تأکید ائمه علیهم‌السلام بر لزوم اطاعت از آن‌ها و اطلاع داشتن از اسرار مهم ائمه علیهم‌السلام در امور مختلف، نشان از جایگاه رفیع امر وکالت داشته و شکی باقی نمی‌گذارد که این اشخاص در زمان وکالت، شأنی بسیار بالاتر از وثاقت داشتند؛ حتی اگر چنین شئونی را برای وکلا قائل نباشیم و آن را به امور مالی محدود کنیم، دلالت بر توثیق راوی نیز خواهد داشت (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۹: ص ۴۱ - ۷۶).



## نتیجه‌گیری

شرط حرکت منطقی در مسیر ایجاد جامعه منتظر و فراهم‌سازی زمینه ظهور، وجود دولت زمینه‌ساز است. تعیین اهداف، راه‌بردها و سیاست‌گذاری‌های مورد نیاز کشور در زمینه آماده‌سازی زمینه‌های ظهور و اجرای راهبردها و سیاست‌گذاری‌های تدوین شده و نظارت بر اجرای دقیق طرح و کنترل آن در طول فرآیند آماده‌سازی ظهور، وظیفه دولت زمینه‌ساز است. چنین دولتی (دولت زمینه‌ساز) در صورتی شکل می‌گیرد که مدیران آن با دولت کریمه مهدوی همسو باشند و دکتترین ظهور را اساس کار خود قرار دهند.

در این پژوهش، در پاسخ به این پرسش که مدیران دولت زمینه‌ساز از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشند و شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه‌ساز چیست؛ وکلای امام دوازدهم به دلیل آن‌که با مدیران دولت زمینه‌ساز، در این زمینه که هر دو تحت نظارت، راهنمایی‌ها و اوامر یک رهبر الهی فعالیت می‌کنند، با هم اشتراک دارند به عنوان مدیرانی موفق در دوره غیبت صغرا (یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعیان امامی که انتخاب و تعیین آنان نیز به دستور امام صورت می‌پذیرفته است) به مثابه الگو برای مدیران تراز معرفی شدند. مهم‌ترین ویژگی‌های مدیریتی وکلای امام، همچون اهتمام به اطاعت از امام، کارآمدی، عقلانیت، رازداری، نظم و انضباط در امور و رعایت سلسه مراتب، و قابلیت اعتماد (وثاقت) و امانتداری به عنوان شاخصه‌های مدیر تراز دولت زمینه‌ساز مطرح شد.



## منابع

۱. آیتی، نصرت الله (پاییزه ۱۳۹۰). *زمینه سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی*، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۹.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفة.
۴. احمدی کچایی، مجید (تابستان ۱۳۹۷). *نقش سیاسی و فرهنگی حسین بن روح نوبختی در بازه زمانی غیبت صغری*، فصلنامه مشرق موعود، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
۵. \_\_\_\_\_ و میرزایی، عباس (پاییزه ۱۳۹۹). *بررسی نقش عثمان بن سعید العمری در رخداد های دوره امام عسکری و امام مهدی عجل الله تعالی فرجهما*، فصلنامه مشرق موعود، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۶. اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). *نگاهی به جامعه و سازمان های عصر ظهور؛ ویژگی ها و پیش فرض ها*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. اخوی، اصغر (۱۴۰۱). *رازداری در سازمان*، سایت جامعه الزهرا حوزه علمیه خاوران قم، دسترسی در <https://www.jz.ac.ir/post/11894>.
۸. اسکندری، مجتبی و موسوی، سید ابوالفضل (آذر ۱۳۹۰). *بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان ها*، دو فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره نوزدهم، شماره ۲.
۹. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۵). *خاندان نوبختی*، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۱۱. باقری، رویا و احمدی کچایی، مجید (تابستان ۱۳۹۹). *چگونگی انتصاب و کیلان امام مهدی عجل الله تعالی فرجهما*، فصلنامه مشرق موعود، سال چهاردهم، شماره ۵۴.
۱۲. بانکی پور فرد، امیر حسین (۱۳۹۲). *عیار مدیران از منظر رهبر معظم انقلاب*، اصفهان، حدیث راه عشق.
۱۳. پور سید آقایی، مسعود (بهار ۱۳۸۴). *دولت زمینه ساز*، فصلنامه انتظار موعود، سال



چهارم، شماره ۱۵.

۱۴. توکلی، عبدالله (۱۳۸۵). **اصول و مبانی مدیریت**، چاپ سوم، قم، انتشارات زمزم هدایت.

۱۵. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). **سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام**، قم، موسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۶. جهانی فرد، علی، جهانی فرد، حسین و احمدی کچایی، مجید (زمستان ۱۴۰۰). **واکاوی**

**چرایی باورمندی شیعیان امامی به وکلای اربعه در غیبت صغری**، فصلنامه مشرق موعود،

سال پانزدهم، شماره ۶۰.

۱۷. حسین، جاسم (۱۳۸۵). **تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم**، ترجمه: سید محمد تقی

آیت اللهی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.

۱۸. حسین زاده شانه چی، حسن (۱۳۸۶). **اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در**

**غیبت صغری**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۹. حسینی زاده خضرآباد، سید علی (۱۳۹۳). **نوبختیان: ابوسهل و ابومحمد**، قم،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسيلة**، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.

۵۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). **صحیفه امام**، چاپ پنجم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی.

۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ القرآن**، محقق: صفوان

عدنان داودی، بیروت، دار القلم.

۲۱. رشیدی فرد، سید احمد (۱۳۹۳). **راهبردهای برای پرورش مدیران زمینه ساز**، (چاپ

شده در مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت)، قم، مؤسسه آینده

روشن.

۲۲. رضا نژاد، عزالدین، رحیمی جعفری، محسن و رضائزاد کلائی، زینب (بهاره ۱۴۰۰). **بررسی و**

**نقد ادعای امامت جعفر بن علی الهادی علیهم السلام و پیامدهای آن**، فصلنامه انتظار موعود، سال

بیست و یکم، شماره ۷۲.

۲۳. شبیری زنجانی، سید محمد جواد (۱۳۹۳). **دلالت منصب وکالت از معصوم بر وثاقت**،

سالنامه پژوهش‌های رجالی، سال سوم، شماره ۳.

۲۴. شریفی، جعفر و چلونگر، محمد علی (بهار ۱۳۹۶). **بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت اسماعیلیه در اهداف و اصول سازمانی**، فصلنامه شیعه شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۷.

۲۵. صادق عمل نیک (۱۳۸۶). مرتضی، طرح راه‌بردی آماده‌سازی زمینه ظهور منجی عالم عجل الله تعالی فرجه الشریح، (چاپ شده در مجموعه مقالات سومین همایش بین المللی دکتربین مهدویت)، قم، مؤسسه آینده روشن.

۲۶. صدر، محمد (۱۴۱۲ق). **تاریخ الغیبة الصغری**، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

۲۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵). **علل الشرایع**، قم، کتاب فروشی داوری.

۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمة**، مترجم: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.

۲۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله و قاضی‌خان، حسین (بهار ۱۳۹۴). **بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت**، فصلنامه مشرق موعود، سال نهم، شماره ۳۳.

۳۰. \_\_\_\_\_ و احمدی کچایی، مجید (زمستان ۱۳۹۱). **چگونگی طرح وکلا در منابع امامی دوره غیبت صغرا**، فصلنامه مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۴.

۳۱. صولی، محمد بن یحیی (۱۴۲۵ق). **کتاب الأوراق قسم أخبار الشعراء**، محقق: ج. هیورث دن، قاهره، الهيئة العامة لقصور الثقافة.

۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). **رجال**، محقق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). **الغیبة**، مصحح: عباد الله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامیه.

۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰ق). **فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الاصول**، محقق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی.

۳۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۲). **بنیادهای علم سیاست**، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر



نی.

۳۶. غلامی، مسعود (۱۳۸۸). **مبانی مدیریت (تئورهای سنتی - نگرش‌های جدید)**، تهران، انتشارات ارگ.

۳۷. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر**، چاپ دوم، قم، موسسه دارالهجرة.  
۳۸. قانونی، صفر علی و صفری فروشانی، نعمت الله (تابستان ۱۴۰۲). «**کاربست رازداری در سیره معاشرتی امام صادق علیه السلام در راستای حفظ شیعیان از آسیب‌های اجتماعی با تکیه به روایات کتاب وسائل الشیعه**»، فصلنامه سخن تاریخ، سال هفدهم، شماره ۴۲.

۳۹. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). **الخراج و الجرائح**، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴۰. کریمی تبار، مریم (بهار ۱۳۸۹). **راه بردها و راه کارهای فرهنگی دولت زمینه ساز در رویارویی با جنگ نرم**، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۳.

۴۱. \_\_\_\_\_ (تابستان ۱۳۸۷). **اهداف دولت زمینه ساز**، فصلنامه مشرق موعود، سال دوم، شماره ۶.

۴۲. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). **رجال**، مصحح: محمد باقر بن محمد میرداماد، قم، موسسه آل‌البيت عليه السلام لإحياء التراث.

۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی**، محققان: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، چاپ: چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۴. گروه مطالعات مدیریت راهبردی (۱۳۹۰). **دولت زمینه ساز و راهبردهای فرهنگی انتظار**، تهران، انتشارات دعا.

۴۵. ماسینیون، لویی (۱۳۸۲). **مصایب حلاج: عارف شهید قرن چهارم هجری**، مترجم: سید ضیاء‌الدین دهشیری، تهران، جامی.

۴۶. مامقانی، عبدالله (۱۴۱۳ق). **تنقیح المقال فی علم الرجال**، محققان: محی‌الدین مامقانی و محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل‌البيت عليه السلام لإحياء التراث.

۴۷. ماهر‌النقش، علی (۱۳۹۵). **مدل مدیریت جامع فرهنگ**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



۴۸. مفتّح، محمّد هادی (۱۳۹۳). **سبک زندگی مدیران زمینه‌ساز**، (چاپ شده در مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت)، قم، مؤسسه آینده روشن.
۴۹. معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، چاپ هشتم، تهران، امیر کبیر.
۵۰. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۱. منتظری، محمد؛ فتحی زاده، علیرضا و صادقی، جواد (زمستان ۱۳۹۶). **تأثیرات اعتماد به مدیر بر رفتار شهروندی سازمانی و عملکرد سازمانی**، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال ششم، شماره ۲۴.
۵۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، **رجال**، محقق: موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۵۵. وینست، اندرو (۱۳۸۷). **نظریه‌های دولت**، مترجم: حسن بشریه، چاپ ششم، تهران، نشر نی
۵۶. هیوود، اندرو (۱۳۸۷). **مفاهیم کلیدی در علم سیاست**، مترجمان: عباس کاردان و حسن سعید کلامی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

